

تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان

* سمیه جابری

** عذرا اعتمادی

*** رضوان السادات جزایری

**** سید احمد احمدی



چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه، زنان متأهل شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ بودند که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۲۰۰ زن متأهل انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه‌های صمیمیت زناشویی، پنج عاملی شخصیت فرم کوتاه، مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و

* (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛

so.jaberi@yahoo.com

** دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ o.etemadi@edu.ui.ac.ir

*** استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ rs.jazayeri@yahoo.com

**** استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ sahmadi@edu.ui.ac.ir

رید، مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های اداره تعارض بین فردی، آسیب‌شناسی تعاملی زوجین با خانواده همسر و فرم اطلاعات جمعیت شناختی در اختیار آنان قرار گرفت. نتایج با استفاده از ضریب همبستگی، رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار SPSS-19 تجزیه و تحلیل شدند. نتایج همبستگی نشان داد ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی، مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض و آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر و سن زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار داشتند. هم‌چنین نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که عوامل مذکور جزء عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی بودند. در نهایت معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس ضرایب به دست آمد. می‌توان نتیجه گرفت ویژگی‌های شخصیت، سبک دلبستگی، مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض، آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر و سن زنان جزء عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی می‌باشند.

واژگان کلیدی

صمیمیت زناشویی؛ ویژگی‌های شخصیت؛ سبک‌های دلبستگی؛ مهارت‌های ارتباطی؛ الگوهای ارتباطی؛ سبک‌های حل تعارض؛ آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر

مقدمه

خانواده اولین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن رشد و نمو پیدا کرده و از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. خانواده را مؤسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت^۱ و همدلی به یکدیگر است (عدالتی و ردزوان،^۲ ۲۰۱۰).

1. Intimacy

2. Edalate & Redzuan



صمیمیت به طور وسیعی به عنوان "تلاش برای حرکت به سمت ارتباط کامل در همه سطوح" یا "توانایی فاش کردن بیشترین موارد در مورد خود" است (فیلدمن، گوئن و فیشر^۱، ۱۹۹۸). هم‌چنین صمیمیت شامل فرآیندی است که در آن افراد تلاش می‌کنند به یکدیگر نزدیک شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در احساسات، افکار و رفتارهایشان را کشف کنند (استهمن^۲، ۲۰۰۴؛ به نقل از نادری و آزادمنش، ۱۳۹۰). صمیمیت زناشویی هم مانند بسیاری از پدیده‌ها چند بعدی است، از این رو عوامل گوناگونی در به وجود آمدن آن مؤثر است. در ادامه به عوامل مؤثر در صمیمیت زناشویی اشاره می‌شود.

داشتن رابطه صمیمانه و دلبستگی عاطفی با افراد نزدیک زندگی مانند والدین، همسر و فرزندان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است. نظریه دلبستگی بزرگسال با گسترش نظریه بالبی و اینزورث^۳ (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۲) برای تبیین تفاوت‌های فردی در شناخت‌ها، احساسات و رفتارهای فردی که در چارچوب روابط صمیمی بزرگسال رخ می‌دهد، تدوین شده است. طبق این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک دلبستگی از تجربه‌های مربوط به روابط صمیمی گذشته، که از روابط دلبستگی نوزاد-مادر (مراقب) آغاز می‌شود، نشأت می‌گیرد (جانسون^۴ و ویفنت^۵، ۲۰۰۹؛ به نقل از بطلانی، ۱۳۸۹). بنابراین به لحاظ این که شخص به چه میزان رابطه نزدیکی با والدش داشته باشد، انواع متفاوتی از صمیمیت را تجربه می‌کند. در این راستا کانتر و لهر^۶ (۱۹۷۵) صمیمیت را به عنوان یک حالت عاطفی متقابل و نزدیکی شدیدی که میان همسران برقرار است، تعریف می‌کنند (هاروی، ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۸۸). برترین و مان‌هلند^۷ (۱۹۹۹) هم در تحقیقی دریافتند که سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زوجین تأثیر مستقیم دارد و زوجین دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به رابطه، تعهد بیشتری داشتند.

-
1. Feldman, Gowen & Fisher
 2. Stahman
 3. Bowlby & Ainsworth
 4. Johnson
 5. Wiffent
 6. Konter & Lehr
 7. Bretherton & Monholland

هازن و شاور^۱ (۱۹۸۷) روابط صمیمی بزرگسال را در امتداد سه سبک اصلی دلبستگی یعنی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا / اضطرابی طبقه‌بندی کردند و تفاوت‌های این سه سبک را در رابطه صمیمی نشان دادند.

بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن، روابط صمیمی خود را شاد، دوستانه، قابل اعتماد و برخوردار از احساس همدلی، حمایت و پذیرش توصیف کردند. از سویی، ویژگی برجسته بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، این است که ترس از صمیمیت و نگرانی از روابط دوستانه دارند، افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی از این که به دیگران نزدیک شوند، احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند؛ در حالی که دوسوگراها با دل مشغولی و سواسی نسبت به صمیمیت و تلاش برای "یکی شدن" با دیگری مشخص می‌شوند. این افراد، در جستجوی صمیمیت هستند ولی از طرد شدن هراس دارند و در نتیجه نیاز سیری‌ناپذیری به امنیت دارند. آنان به امید دریافت و مراقبت از جانب دیگران، از اطرافیانشان مراقبت می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۹).

هم‌چنین بررسی مختصر نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده در حوزه زناشویی روشن‌کننده این مهم است که عوامل دیگری نیز بر پایداری و ناپایداری ازدواج اثر می‌گذارند. یکی دیگر از عوامل بسیار مهم، ویژگی‌های شخصیتی همسران است. مدل پنج‌عاملی شخصیتی یکی از مدل‌های مطرح در خصوص تأثیر عوامل شخصیتی است. این مدل، پنج ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی را بررسی می‌کنند (نادری، افتخار و آملازاده، ۱۳۸۹).

روان‌رنجوری (N) به تمایل فرد برای تجربه اضطراب-تنش، ترحم‌جویی، خصومت، تکانش‌وری، افسردگی و حرمت نفس پایین برمی‌گردد. از این پنج عامل شخصیتی، روان‌رنجوری که بیشتر با هیجان‌پذیری منفی از آن یاد می‌شود اثرات قوی‌تری بر بازده زناشویی نشان می‌دهد تا چهار عامل دیگر (واتسون و کلارک^۲، ۱۹۸۴؛ به نقل از نادری و آزادمنش، ۱۳۹۰). برون‌گرایی (E) به تمایل فرد برای جامعه‌گرایی، مثبت بودن، جرأت‌طلبی، پرانرژی بودن و صمیمیت اطلاق می‌گردد. تجربه‌گرایی (O) به تمایل فرد برای کنجکاو، عشق به هنر، انعطاف‌پذیری، روشنفکری، نوآوری و خردورزی اطلاق می‌شود. توافق‌پذیری (A) به تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی،

1. Hazan & Shaver
2. Watson & Clark



نوع دوستی، فرمانبری، وفاداری و اعتمادورزی مربوط می‌شود. وجدان‌گرایی (C) نیز به تمایل فرد برای منظم بودن، کارآمدی، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم‌بخشی، منطقی بودن و آرام بودن برمی‌گردد (سروقد، رضایی، فدایی‌دولت، ۱۳۹۰). بر همین اساس، کارنی و برادبوری (۲۰۰۰) در پژوهش‌های خود نشان دادند که ویژگی روان‌رنجوری با صمیمیت زناشویی رابطه منفی و ویژگی‌های برون‌گرایی، بازبودن، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی رابطه مثبت دارد.

از سویی عوامل بین‌فردی نیز در صمیمیت زناشویی مهم برشمرده شده‌اند. در این راستا، دن‌دنیو و جانسون^۱ (۱۹۹۴) صمیمیت را به عنوان رویدادی ارتباطی که در آن خودافشاسازی از روی اعتماد با بیان همدلی پاسخ داده می‌شود، در نظر می‌گیرند (گریف و مالهرب^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۴). هم‌چنین نانسی^۳ (۲۰۰۷) آموزش ارتباط را مؤثرترین شیوه صمیمیت بخشیدن به روابط زناشویی می‌داند. آوری، ریدلی، لزی و میل‌هلند^۴ (۱۹۸۰) دریافتند که زوج‌های گروه غنی‌سازی ارتباط، نسبت به گروه بهبود گفتگو، در بی‌پرده‌گویی، همدلی و صمیمیت، افزایش بیشتری نشان داده‌اند. هم‌چنین بی‌پرده‌گویی و پاسخ‌همدلانه را مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده صمیمیت دانسته‌اند. ارتباط زناشویی عبارت است از فرآیند تبادل اطلاعات به طور کلامی و غیرکلامی بین زوجین که شامل مهارت‌هایی برای تبادل الگوهای اطلاعات درون سیستم زناشویی می‌باشد (گلادینگ^۵، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶).

مهارت‌های ارتباطی هم، مهارت‌ها و فرآیندهای رفتاری هستند که افراد را قادر می‌سازند پیام‌ها را با دقت بیشتر، مؤثرتر و کارآمدتر رد و بدل کنند (میلر، میلر، واکمن و نانالی^۶، ترجمه بهاری، ۱۳۸۵). این مهارت‌ها مشتمل بر مهارت‌های فرعی زیر است که اساس مهارت‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند:

درک پیام‌های کلامی و غیرکلامی، نظم‌دهی به هیجان‌ها، گوش دادن، بینش نسبت به فرآیند ارتباط، قاطعیت در ارتباط (حسین چاری و فداکار، ۱۳۸۴).

-
1. Dandanue & Johnson
 2. Grieff & Malherb
 3. Nancy
 4. Avery, Ridly, Leslie & Milholland
 5. Gladding
 6. Miller, Miller, Wakman & Nanali

علاوه بر مهارت‌های ارتباطی، یکی از راه‌های نگریستن به ساختار خانواده این است که به کانال‌های ارتباطی که از طریق آن‌ها با همدیگر به تعامل می‌پردازند، پرداخته شود. به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوهای ارتباطی گفته می‌شود (ترنهلیم و یانسن^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از رسولی، ۱۳۸۰).

مدل‌ها و نظریه‌های گوناگونی الگوهای ارتباطی زوجین را تبیین می‌کنند که در میان آن‌ها به الگوی ارتباطی کریستنسن و سالووی^۲ پرداخته می‌شود. کریستنسن و شنک^۳ (۱۹۹۱) سه الگوی ارتباطی بین زوجین را معرفی کرده‌اند که عبارتند از:

الف) الگوی ارتباط سازنده متقابل، ب) الگوی ارتباط اجتناب متقابل، ج) الگوی ارتباط توقع / کناره‌گیری (شاهقلیان، جان نثارشرق، عبداللهی، ۱۳۸۵).

ارتباط عامل گسترش روابط صمیمی است و در سطح کاربردی به زوجها اجازه می‌دهد که مشکلاتشان را مورد بحث قرار داده و حل کنند و اطلاعات مهم را مبادله کنند. همسرانی که نمی‌توانند احساساتشان را برای یکدیگر بیان کنند، و یا سرزنش، کنایه، تحقیر و توهین را برای حل مشکلاتشان به کار گیرند، در جریان زندگی زناشویی و در بحث در مورد مسائل و مشکلات پیش آمده دچار مشکل خواهند شد (صمدی، ۱۳۸۶). پژوهش‌هایی مانند پژوهش کربای، باکوم و پیترمن^۴ (۲۰۰۵) دریافتند که انتقاد و سرزنش کردن همسر، صمیمیت و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.

با توجه به این‌که رابطه صمیمانه الزاماً یک رابطه بدون تعارض نیست و وقوع تعارض در زناشویی حتی در ازدواج‌های موفق امری عادی تلقی می‌شود، رسیدن به صمیمیت اغلب از طریق حل موفقیت‌آمیز تعارض صورت می‌گیرد (ویکتوریا^۵، ۲۰۰۸؛ به نقل از حسینیان، یزدی و طباطبایی، ۱۳۸۹). بنابراین پرداختن به سبک‌ها و مهارت‌های حل تعارض زوجین و ارتباط آن با صمیمیت زناشویی امری مهم تلقی می‌گردد.

در کنار نظریه‌های متفاوت در مورد سبک‌های حل تعارض، مدلی را نیز رحیم (۱۹۹۷) مطرح کرده است که پنج سبک اصلی را برای مدیریت تعارض ارائه می‌دهد. این پنج سبک به اختصار عبارتند از:

1. Trenhelm & Yanson
2. Christensen & Sullaway
3. Shenk
4. Kirby, Baucom & Peterman
5. Victoria



۱. همکاری، ۲. رقابت‌جویی (تحکم)، ۳. اجتناب، ۴. انطباق‌پذیری (مدارا)، ۵. مصالحه (توافق) (خدایاری‌فرد، زارع‌پور و حجازی، ۱۳۸۹).

از سویی در جامعه ایرانی، روابط خانوادگی و از آن جمله روابط زوجین و خانواده همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عوامل و شرایط بسیاری می‌توانند باعث تیرگی این روابط و ایجاد کدورت بین زوجین و خانواده همسر شود که پیامدهای آن سلامت خانواده و جامعه را تهدید خواهد کرد. تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی که بین زوجین و خانواده همسر وجود دارند، باعث به وجود آمدن تفاوت‌ها در آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، رفتارهای اقتصادی، نگرش متفاوت نسبت به مسائل مختلف می‌شود که در نهایت به کاهش صمیمیت زناشویی منجر خواهد شد. بنابراین شناسایی این آسیب‌ها و کوشش در جهت پیشگیری و رفع آن‌ها می‌تواند نقش بسزایی در ارتقاء کیفیت روابط زوجین و خانواده همسر و جلوگیری از بروز مشکلات عدیده‌ای که به سبب این آسیب‌ها برای زوجین و خانواده‌ها ایجاد می‌شود، داشته باشد (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۱).

علاوه بر عوامل فوق، یکی از مسائل بسیار بااهمیت که همیشه مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است، یافتن فرآیند تأثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت روابط زناشویی است؛ زیرا اولین نهاد اجتماعی که حتی با کوچکترین تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی دچار چالش‌های جدی می‌شود، خانواده است. عوامل بافتی از قبیل نژاد، مذهب، تحصیلات، خویشاوندی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بر فرآیند جستجوی همسر و روابط میان همسران تأثیر می‌گذارد (هاروی، ترجمه احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). از جمله عواملی که در ایجاد و افزایش صمیمیت زناشویی مؤثر هستند، عوامل جمعیت‌شناختی می‌باشند. این عوامل شامل شرایط اقتصادی و اجتماعی زوجین می‌باشد که جنسیت، سن، سن ازدواج و مدت آن، نوع ازدواج، درآمد، شغل، میزان تحصیلات و... از جمله مصادیق قابل مشاهده شرایط اقتصادی و اجتماعی هستند که در صمیمیت زناشویی می‌توانند اثرگذار باشند. بنابراین با توجه به مطالب فوق، اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- تعیین رابطه عوامل جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت زناشویی.
- تعیین رابطه ویژگی‌های شخصیت زنان با صمیمیت زناشویی.
- تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی زنان با صمیمیت زناشویی.
- تعیین رابطه مهارت‌های ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی.

- تعیین رابطه الگوهای ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی.
- تعیین رابطه سبک‌های حل تعارض زنان با صمیمیت زناشویی.
- تعیین رابطه آسیب‌شناسی تعاملی زنان با خانواده همسر با صمیمیت زناشویی.
- تعیین سهم عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان.
- تعیین معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان براساس ضرایب خام.

روش

هدف پژوهش حاضر تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ بود. جامعه مورد مطالعه، زنان متأهل شهر اصفهان بودند که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۲۰۰ زن متأهل انتخاب شدند، به این صورت که از بین مناطق ۶ گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان به صورت تصادفی، ۳ منطقه انتخاب شدند و از این ۳ منطقه نیز به صورت تصادفی، ۵ مدرسه ابتدایی انتخاب شدند و در هر مدرسه انتخاب شده، به صورت تصادفی ۲ کلاس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی در اختیار مادران دانش‌آموزان این کلاس‌ها (۲۰۰ نفر) قرار گرفت. لازم به ذکر است حجم نمونه با توجه به زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه‌های مورد استفاده تعیین شد. در نهایت تعداد ۱۹۰ پرسش‌نامه به صورت کامل برگشت داده شد که از طریق آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار SPSS-19 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

۱. پرسش‌نامه صمیمیت زوجین اولیاء: به منظور اندازه‌گیری میزان صمیمیت زناشویی از پرسش‌نامه صمیمیت زوجین اولیاء (۱۳۸۵) استفاده شد. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۸۵ سؤال و مقیاس آن طیف لیکرت است و در ۹ بعد، صمیمیت زناشویی را می‌سنجد. نمره فرد در این آزمون از طریق جمع نمرات گزینه‌ها به دست می‌آید. به منظور بررسی روایی همزمان پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی از مقیاس صمیمیت تامپسون و واکر^۱ (۱۹۸۳) استفاده گردید. نتایج نشان داد که همبستگی بین آزمون صمیمیت زناشویی و مقیاس تامپسون و

1. Thompson & Walker



واکر برابر ۰/۹۲ بوده است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. برای تعیین پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده که آلفای کرونباخ کل آزمون ۹۸/۵۸ محاسبه شده است (اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۸۵). هم‌چنین مقدار آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر، ۹۷/۳۳ بود. بنابراین پرسش‌نامه از پایایی مناسب برخوردار می‌باشد.

۲. پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت: مک کری و کاستا (۱۹۴۲) برای ایجاد یک مقیاس کوتاه‌تر، پرسش‌نامه‌ای شامل ۶۰ گزاره را تهیه کردند. مقیاس‌های ۱۲ آیتمی NEO-FFI شامل آیتم‌هایی است که بیشترین بار عاملی را بر روی هر یک از عوامل پنج‌گانه در آن تحلیل به دست آورده بودند (گروسی فرشی، بخشی‌پور و مانی، ۱۳۸۵).

در پژوهش جان و سریواستار^۱ به منظور بررسی روایی همگرا، آزمودنی‌ها همراه با NEO-FFI با فرض محتوی ۱۵ صفت شخصیتی که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای تنظیم شده بود، پاسخ گفتند. سپس همبستگی ۵ عامل با این صفات محاسبه شد. ضرایب روایی به شرح زیر به دست آمد:

روان‌رنجوری ($P \leq 0/001$): ۰/۶۹، بیرون‌گرایی ($P \leq 0/001$): ۰/۶۴، تجربه‌گرایی ($P \leq 0/001$): ۰/۵۲، توافق‌پذیری ($P \leq 0/001$): ۰/۵۷ و وجدان‌گرایی ($P \leq 0/003$): ۰/۴۲ (جلالی، ۱۳۹۰).

در ایران هم حق‌شناس (۱۳۸۸) در تحقیق خود ضریب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های A، O، E، N و C را به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۷ گزارش کرده است (سروقد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز پایایی این آزمون برای پنج عامل A، O، E، N و C به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آمد.

۳. پرسش‌نامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید^۲ (۱۹۹۰) (RAAS): این پرسش‌نامه شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک و مشتمل بر ۱۸ ماده است. تحلیل عوامل، ۳ خرده‌مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد.

1. John & Srivastava

2. Revised Adult Attachment Scale

زیر مقیاس (A) با دلبستگی ناایمن دوسوگرا (AM) مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر^۱، ۱۹۹۴). کولینز و رید (۱۹۹۰) هم نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده بالا است (فینی و نولر، ۱۹۹۱).

در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون مجدد مورد آزمون قرار گرفت. پایایی این آزمون با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیر مقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد (۰/۷۴) و وابستگی (D) کمترین قابلیت اعتماد (۰/۲۸) را دارد و قابلیت اعتماد زیر مقیاس نزدیک بودن در حد متوسط (۰/۵۲) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است (حمیدی، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ در مورد زیرمقیاس‌های C، D و A به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۳ و ۰/۶۷ به دست آمد.

۴. پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی^۲: این آزمون که توسط کوئین‌دام در سال ۲۰۰۱ برای سنجش مهارت‌های ارتباطی در بزرگسالان ابداع شده است، دارای ۳۴ عبارت است که مهارت‌های ارتباطی را توصیف می‌کنند. این پرسش‌نامه توسط جرابک (۲۰۰۴) برای سنجش مهارت‌های ارتباطی زوجین به کار گرفته شد. مهارت‌های ارتباطی فرعی که در این مقیاس مورد بررسی قرار می‌گیرند شامل پنج مهارت گوش دادن، توانایی دریافت و ارسال پیام، بینش نسبت به فرآیند ارتباط، کنترل عاطفی و ارتباط توأم با قاطعیت هستند (حسین‌چاری و فداکار، ۱۳۸۴). اعتبار این پرسش‌نامه در ایران در پژوهش حسین‌چاری و فداکار (۱۳۸۴) با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای نمره کل آزمون به ترتیب برابر ۰/۷۱ و ۰/۶۹ گزارش شده است. هم‌چنین در پژوهش

1. Feeny & Noller

2. The Communication Skills Test- Revised



حاضر مقدار $0/86$ برای نمره کل آزمون برای اعتبار این پرسش‌نامه به دست آمد.

۵. پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی (CPQ): این پرسش‌نامه که توسط کریستنسن و سالاولی (۱۹۸۴) در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شده است ۳۵ سؤال دارد، رفتارهای زوجین را در طی سه مرحله تعارض زناشویی برآورد می‌کند و از سه خرده‌مقیاس تشکیل شده است: ۱- مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ۲- مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، ۳- مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری. ارتباط توقع/کناره‌گیری از دو بخش تشکیل شده است: مرد متوقع/زن کناره‌گیر و زن متوقع/مرد کناره‌گیر.

نتایج پایایی کریستنسن و هیوی^۱ (۱۹۹۰) و هیوی و همکارانش (۱۹۹۳) بر روی آزمودنی‌های آمریکایی شباهت بسیاری با کار بودنمن^۲ و همکارانش (۱۹۹۸) بر روی آزمودنی‌های سوئیسی و آلمانی دارد. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش‌های این محققان روی پنج خرده‌مقیاس پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی (CPQ) از $0/44$ تا $0/85$ گزارش شده است، که نتایج رضایت‌بخشی است (به نقل از عبادت‌پور، ۱۳۷۹).

در ایران عبادت‌پور (۱۳۷۹) پرسش‌نامه فوق را هنجاریابی کرد؛ ضرایب همبستگی به دست آمده برای سه خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل و ارتباط متوقع/کناره‌گیری به ترتیب عبارتند از $0/58$ ، $0/58$ ، $0/35$ بود که همگی در سطح آلفای $0/01$ معنی‌دار بودند. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه، همبستگی درونی در مورد خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه محاسبه گردیده و ارقام به دست آمده به ترتیب عبارت بودند از: سازنده متقابل $0/50$ ، اجتنابی متقابل $0/51$ ، مرد متوقع/زن کناره‌گیر $0/52$ و زن متوقع/مرد کناره‌گیر $0/55$ (عبادت‌پور، ۱۳۷۹). هم‌چنین مقادیر آلفای به دست آمده در این پژوهش برای سه خرده‌مقیاس این پرسش‌نامه به ترتیب عبارتند از: $0/44$ برای ارتباط سازنده متقابل، $0/62$ برای ارتباط اجتنابی متقابل و $0/51$ برای ارتباط متوقع/کناره‌گیر.

1. Heavy

2. Bodenman

۶. پرسش‌نامه سبک‌های اداره تعارض بین فردی^۱ (ICMSI): پرسش‌نامه سبک‌های مدیریت تعارض که توسط رحیم (۱۹۹۷) ساخته شده است دارای ۲۸ سؤال است و پنج سبک: ۱- همکاری، ۲- اجتنابی، ۳- مصالحه‌ای، ۴- رقابتی، ۵- انطباقی را می‌سنجد و برای سنجیدن سبک‌های اداره تعارضات بین فردی (از جمله زناشویی) تنظیم شده است (آبروی، ۱۳۸۸).

رحیم (۱۹۹۷) برای بررسی پایایی همزمان پرسش‌نامه مذکور از روش بازآزمایی استفاده کرد که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۳ به دست آمد. همچنین پرسش‌نامه سبک‌های اداره تعارض با ضریب آلفای ۰/۷۱ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. این مقدار در پژوهش حاضر ۰/۶۶ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول برای این پرسش‌نامه می‌باشد.

برای هنجاریابی پرسش‌نامه مذکور، پایایی این ابزار با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ به ترتیب برای سبک اجتناب برابر ۰/۶۵، برای سبک رقابت یا تسلط‌جویی ۰/۶۷، برای سبک مصالحه ۰/۶۴، برای سبک همسازی یا تبعیت‌جویی ۰/۶۸، برای سبک همکاری ۰/۷۲ و برای کل مقیاس‌ها ۰/۸۷۴ به دست آمد (بهار، ۱۳۹۰).

۷. پرسش‌نامه آسیب‌شناسی تعاملی زوجین با خانواده همسر: پرسش‌نامه آسیب‌شناسی تعاملی زوجین با خانواده همسر توسط قاسمی و همکاران (۱۳۹۱) تهیه و تنظیم گردید. پرسش‌نامه آسیب‌شناسی تعاملی زوجین با خانواده همسر با ۵۰ سؤال ۵ گزینه‌ای و ۹ خرده مقیاس تنظیم شد. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه‌ها از روش بازآزمایی و بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه، معادل ۰/۹۷ محاسبه شد. پرسش‌نامه‌ها پس از دو هفته مورد بازآزمایی قرار گرفتند و ضریب بازآزمایی پرسش‌نامه معادل ۰/۹۳ محاسبه شد که در سطح $p \leq 0/01$ معنادار بود.

1. Interpersonal Conflict Management Style



۸. **فرم اطلاعات جمعیت شناختی:** در این پژوهش از یک پرسش‌نامه جمعیت شناختی که توسط محقق تدوین شده است، نیز استفاده شده است. این پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی از قبیل سن، سن ازدواج، مدت زمان ازدواج، مدت آشنایی پیش از ازدواج، شغل، درآمد و میزان تحصیلات است.

یافته‌ها

برای انجام پژوهش حاضر، در ادامه ضرایب همبستگی، هر عامل با صمیمیت زناشویی محاسبه می‌گردد. سپس عوامل پیش‌بینی‌کننده، وارد مدل رگرسیون شده و سهم هر عامل مشخص می‌شود. در نهایت، معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس ضرایب خام به دست می‌آید.

فرضیه اول: عوامل جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان و صمیمیت زناشویی

| متغیر ملاک | | سن | ازدواج | مدت زمان تحصیلات | نوع شغل | درآمد | نوع ازدواج | سن ازدواج | مدت آشنایی |
|----------------|--|-------|--------|------------------|---------|-------|------------|-----------|------------|
| ضریب همبستگی | | -۰/۱۲ | -۰/۰۹ | ۰/۰۶ | ۰/۷۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۴ | -۰/۰۵ | ۰/۱۳ |
| معناداری آماری | | ۰/۰۴۶ | ۰/۳۰۸ | ۰/۳۹۱ | ۰/۳۳۳ | ۰/۹۷۶ | ۰/۵۲۳ | ۰/۴۵۲ | ۰/۰۷۱ |

بر طبق جدول شماره ۱، بین سن زنان و صمیمیت زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد، یعنی با افزایش سن زنان، میزان صمیمیت زناشویی آنان کاهش پیدا می‌کند ($r = -0/12$ ، $P < 0/05$). همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود بین صمیمیت زناشویی و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی زنان (مدت زمان ازدواج، تحصیلات، نوع شغل، درآمد، نوع ازدواج، سن ازدواج، مدت آشنایی) رابطه معنادار وجود ندارد ($P > 0/05$).

فرضیه دوم: ویژگی‌های شخصیت زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیت زنان با صمیمیت زناشویی

| ویژگی‌های شخصیت | | | | | متغیر ملاک | |
|-----------------|-------------|-------------|------------|-------------|----------------|----------------|
| وجدان‌گرایی | توافق‌پذیری | تجربه‌گرایی | برون‌گرایی | روان‌رنجوری | | |
| ۰/۳۷ | ۰/۵۲ | ۰/۵۴ | ۰/۱۳ | ۰/۶۷ | ضریب همبستگی | صمیمیت زناشویی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۶ | ۰/۸۶ | ۰/۰۰۱ | معناداری آماری | |

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول شماره ۲، بین روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار وجود دارد. همبستگی منفی معنادار بین روان‌رنجوری زنان و صمیمیت زناشویی به این معنی است که با افزایش روان‌رنجوری، صمیمیت زناشویی آنان کاهش می‌یابد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی با صمیمیت زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد. هم‌چنین برون‌گرایی و تجربه‌گرایی با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار نشان ندادند ($p > 0/05$).

فرضیه سوم: سبک‌های دلبستگی زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی زنان و صمیمیت زناشویی

| سبک‌های دلبستگی | | | متغیر ملاک | |
|---------------------------|-----------------|--------------|----------------|---------|
| دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی | دلبستگی اجتنابی | دلبستگی ایمن | | |
| -۰/۳۷ | ۰/۱۹ | ۰/۳۴ | ضریب همبستگی | صمیمیت |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۹ | ۰/۰۱ | معناداری آماری | زناشویی |



همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بین سبک دلبستگی ایمن زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. هم‌چنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی با صمیمیت زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد، به این معنی که زنان با این سبک دلبستگی، میزان صمیمیت زناشویی کمتری را با همسرانشان تجربه می‌کنند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بین سبک دلبستگی اجتنابی در زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

فرضیه چهارم: مهارت‌های ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۴. ضرایب همبستگی مهارت‌های ارتباطی زنان و صمیمیت زناشویی

| مهارت‌های ارتباطی | | | | | متغیر ملاک | |
|-------------------|-------------|----------|--------|--------|----------------|----------------|
| گوش دادن | کنترل عواطف | درک پیام | بینش | قاطعیت | ضریب همبستگی | صمیمیت زناشویی |
| ۰/۳۵ | ۰/۵۳ | ۰/۴۸ | ۰/۲۶ | ۰/۲۹ | | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۰/۰۰۰۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۰۰۰۱ | معناداری آماری | |

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، بین همه مهارت‌های ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). بیشترین همبستگی در مهارت کنترل عواطف زنان با صمیمیت زناشویی و کمترین همبستگی بین مهارت بینش نسبت به فرایند ارتباط و صمیمیت زناشویی وجود دارد.

فرضیه پنجم: الگوهای ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۵. ضرایب همبستگی بین الگوهای ارتباطی زنان و صمیمیت زناشویی

| الگوهای ارتباطی | | | | | متغیر ملاک | |
|-----------------|-----------------------------------|-----------------------------------|----------------------------|--------------|----------------|----------------|
| الگوی اجتناب | الگوی توقع زن / کناره‌گیری مرد | الگوی توقع مرد / کناره‌گیری زن | الگوی کناره‌گیری / توقع | الگوی سازنده | ضریب همبستگی | صمیمیت زناشویی |
| -۰/۶۰ | -۰/۳۳ | -۰/۳۶ | -۰/۳۹ | ۰/۷۶ | | |
| ۰/۰۰۰۲ | ۰/۰۰۰۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۰۰۰۲ | ۰/۰۰۰۱ | معناداری آماری | |

همان طور که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، همه الگوهای ارتباطی زنان با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار دارند. از بین الگوهای ارتباطی زنان، تنها الگوی سازنده با صمیمیت زناشویی همبستگی مثبت معنادار دارد ($r=0/76$ ، $sig=0/000$)، یعنی زنانی که در برقراری ارتباط با همسرانشان الگوی ارتباطی سازنده دارند، صمیمیت بیشتری را با همسرانشان تجربه می‌کنند. همچنین بیشترین همبستگی در الگوی ارتباط سازنده با متغیر ملاک وجود دارد.

فرضیه ششم: سبک‌های حل تعارض زنان با صمیمیت زناشویی رابطه دارد.

جدول ۶. ضرایب همبستگی سبک‌های حل تعارض زنان و صمیمیت زناشویی

| سبک‌های حل تعارض | | | | | متغیر ملاک | |
|------------------|---------|--------|---------|--------|----------------|---------|
| مصالحه | اجتنابی | رقابتی | انطباقی | همکاری | ضریب همبستگی | صمیمیت |
| ۰/۳۳ | ۰/۰۹ | -۰/۲۷ | ۰/۳۹ | ۰/۷۴ | معناداری آماری | زناشویی |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۲۳۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۰۱ | | |

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که همه سبک‌های حل تعارض در زنان بجز سبک اجتنابی با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار دارند ($P<0/05$). همبستگی منفی بین سبک رقابتی زنان با صمیمیت زناشویی، نشان می‌دهد که هر چه زنان بیشتر از این سبک در حل تعارض با همسرانشان استفاده کنند، صمیمیت زناشویی آنان کاهش می‌یابد. همبستگی بین سبک‌های همکاری، انطباقی و مصالحه با صمیمیت زناشویی، مثبت است که در این میان سبک همکاری بیشترین همبستگی با صمیمیت زناشویی را داراست ($r=0/76$ ، $sig=0/000$).

فرضیه هفتم: آسیب‌شناسی تعامل با خانواده همسر در زنان با صمیمیت

زناشویی رابطه دارد.

جدول ۷. ضریب همبستگی آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر در زنان و صمیمیت زناشویی

| آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر | متغیر ملاک | |
|-----------------------------------|----------------|----------------|
| -۰/۶۸ | ضریب همبستگی | صمیمیت زناشویی |
| ۰/۰۰۰۱ | معناداری آماری | |



همان‌طور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر در زنان نمونه دارای همبستگی معنادار منفی با صمیمیت زناشویی می‌باشد. این بدان معناست که هر چه ارتباط زنان با خانواده همسرانشان دارای آسیب‌های بیشتری باشد، صمیمیت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند.

فرضیه هشتم: هریک از عوامل در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی سهم دارند.

جدول ۸. چکیده مدل رگرسیون گام به گام عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی در زنان

| متغیرهای افزوده شده به مدل | R | R ² | خطای برآورد معیار | تغییرات R ² | تغییرات F | Df ₁ | Df ₂ | معناداری آماری |
|----------------------------|-------|----------------|-------------------|------------------------|-----------|-----------------|-----------------|----------------|
| الگوی سازنده | ۰/۷۵۸ | ۰/۵۷۴ | ۲۸/۷۷ | ۰/۵۷۴ | ۲۵۴/۸۸ | ۱ | ۱۸۹ | ۰/۰۰۰ |
| سبک همکاری | ۰/۸۳۵ | ۰/۶۹۷ | ۲۴/۳۲ | ۰/۱۲۳ | ۷۶/۴۷ | ۱ | ۱۸۸ | ۰/۰۰۰ |
| خانواده همسر | ۰/۸۶۷ | ۰/۷۵۲ | ۲۲/۰۶ | ۰/۰۵۵ | ۴۱/۴۷ | ۱ | ۱۸۷ | ۰/۰۰۰ |
| کناره‌گیری / توقع | ۰/۸۸۹ | ۰/۷۹۱ | ۲۰/۳۳ | ۰/۰۳۸ | ۳۴/۱۴ | ۱ | ۱۸۶ | ۰/۰۰۰ |
| گوش دادن | ۰/۹۰۴ | ۰/۸۱۶ | ۱۹/۱۰ | ۰/۰۲۶ | ۲۵/۸۹ | ۱ | ۱۸۵ | ۰/۰۰۰ |
| توافق‌پذیری | ۰/۹۰۸ | ۰/۸۲۴ | ۱۸/۷۵ | ۰/۰۰۸ | ۷/۹۱ | ۱ | ۱۸۴ | ۰/۰۰۵ |
| تحصیلات | ۰/۹۱۱ | ۰/۸۳۰ | ۱۸/۴۷ | ۰/۰۰۶ | ۶/۵۷ | ۱ | ۱۸۳ | ۰/۰۱۱ |
| سبک اجتناب | ۰/۹۱۵ | ۰/۸۳۸ | ۱۸/۱۱ | ۰/۰۰۸ | ۸/۴۴ | ۱ | ۱۸۲ | ۰/۰۰۴ |
| دوسوگرا | ۰/۹۱۹ | ۰/۸۴۴ | ۱۷/۷۸ | ۰/۰۰۷ | ۷/۷۴ | ۱ | ۱۸۱ | ۰/۰۰۶ |
| برون‌گرایی | ۰/۹۲۲ | ۰/۸۵۱ | ۱۷/۴۶ | ۰/۰۰۶ | ۷/۷۸ | ۱ | ۱۸۰ | ۰/۰۰۶ |
| کنترل عواطف | ۰/۹۲۴ | ۰/۸۵۴ | ۱۷/۲۹ | ۰/۰۰۴ | ۴/۴۸ | ۱ | ۱۷۹ | ۰/۰۳۶ |

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی گزارش شده‌اند. در مجموع عوامل مذکور در جدول فوق، توانستند ۸۵٪ صمیمیت زناشویی را تبیین کنند که از بین آن‌ها متغیر الگوی ارتباطی سازنده دارای بیشترین سهم در تبیین صمیمیت زناشویی می‌باشد ($R=0/76$, $R^2=0/57$).

فرضیه نهم: تعیین معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ضرایب خام.

جدول ۹. ضرایب خام و استاندارد معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی در زنان

| معناداری آماری | t | ضرایب خام | | متغیر |
|----------------|--------|-------------------------|------------------|-----------------|
| | | ضرایب استاندارد β | خطای استاندارد B | |
| ۰/۰۰۰۱ | ۸/۰۲۶ | | ۲/۱۵۵ | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰۰۱ | ۸/۵۴۰ | ۰/۳۴۴ | ۰/۱۸۴ | الگوی سازنده |
| ۰/۰۰۰۱ | ۶/۳۳۱ | ۰/۲۹۶ | ۰/۴۱۴ | سبک همکاری |
| ۰/۰۰۰۱ | -۴/۹۱۲ | -۰/۱۹۰ | ۰/۰۵۶ | خانواده همسر |
| ۰/۰۰۰۱ | -۶/۱۱۵ | -۰/۱۸۹ | ۰/۱۴۵ | کناره‌گیری/توقع |
| ۰/۰۰۰۱ | ۴/۷۱۲ | ۰/۱۵۳ | ۰/۳۹۰ | گوش دادن |
| ۰/۰۰۰۵ | ۲/۸۲۸ | ۰/۰۹۵ | ۰/۲۳۷ | وجدان‌گرایی |
| ۰/۰۰۰۱ | -۳/۶۶۶ | -۰/۱۱۲ | ۱/۱۷۷ | تحصیلات |
| ۰/۰۱۴ | -۲/۴۹۵ | -۰/۰۸۰ | ۰/۳۸۶ | سبک اجتناب |
| ۰/۰۰۳ | -۳/۰۲۷ | -۰/۰۹۹ | ۰/۳۲۲ | دوسوگرا |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۳۳۰ | -۰/۱۱۰ | ۰/۲۵۰ | روان‌رنجوری |
| ۰/۰۳۶ | ۲/۱۱۷ | ۰/۰۸۱ | ۰/۴۵۰ | کنترل عواطف |

- سبک حل تعارض همکاری ۲/۶۲۴ + الگوی ارتباط سازنده ۱/۵۷۵ + صمیمیت زناشویی ۱۷۲/۹۶ = صمیمیت زناشویی
 + الگوی ارتباط کناره‌گیری/توقع -۰/۸۸۴ - آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر ۰/۲۷۴
 + ۰/۹۶۲ + تحصیلات -۴/۳۱۶ - ویژگی وجدان‌گرایی ۰/۶۶۹ + مهارت ارتباطی گوش دادن ۱/۸۳۸
 + ویژگی شخصیت روان‌رنجوری -۰/۸۳۱ - سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۹۷۵ + سبک حل تعارض اجتناب
 مهارت ارتباطی کنترل عواطف ۰/۹۵۲

بر اساس نتایج جدول شماره ۹، عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ای که توانستند در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی سهم داشته باشند، گزارش شدند. با توجه به ضرایب استاندارد هر متغیر با صمیمیت زناشویی، ملاحظه می‌شود که متغیر الگوی ارتباط سازنده دارای بیشترین ضریب استاندارد در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی می‌باشد. در نهایت نیز معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس ضرایب خام، گزارش شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این اعتقاد وجود دارد که صمیمیت از جمله دلایل اصلی افراد در برقراری یک رابطه با همسر و ارضای نیاز عاطفی است. چرا که داشتن روابط صمیمانه، یک نیاز و



انگیزه اساسی در انسان می‌باشد. ایجاد صمیمیت و حفظ آن در ارتباط زوج‌ها فرآیندی سخت است که مستلزم آگاهی‌های دوطرفه و تلاش در عمل به مضامین آن است. بنابراین توجه به صمیمیت زناشویی و عوامل مرتبط با آن، برای آگاهی همسران ضروری به نظر می‌رسد. به همین منظور، هدف از انجام پژوهش حاضر، تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان بود. بعد از انجام پژوهش و تجزیه و تحلیل آماری، نتایج زیر به دست آمد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

از میان عوامل جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شده در این پژوهش (جدول ۱)، که هر کدام به عنوان شاخص‌هایی برای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زوجین در نظر گرفته شدند، تنها سن زنان توانست همبستگی معناداری با صمیمیت زناشویی داشته باشد ($P < 0/05$). نتیجه حاکی از آن است که زنان با افزایش سن، صمیمیت کمتری را با همسرانشان تجربه می‌کنند. این یافته با پژوهش صبحی (۱۳۸۱) مبنی بر این که در ازدواج‌های سنتی صمیمیت زناشویی با افزایش سن، کمتر می‌شود، همسو می‌باشد. می‌توان عامل فرهنگی حاکم بر جامعه مبنی بر کاهش ابراز صمیمیت به انحاء مختلف و یا درگیری بیشتر همسران با مسائل فرزندان در سنین بالاتر، می‌تواند دلیلی مبنی بر وجود همبستگی منفی بین سن با صمیمیت زناشویی باشد. براساس نتایج جدول (۱)، مشاهده می‌شود که سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر شرایط اقتصادی (با شاخص‌هایی نظیر درآمد، شغل و ...) و یا پایگاه اجتماعی نتوانستند رابطه معناداری با صمیمیت زناشویی برقرار کنند. در این زمینه پژوهشی مبنی بر وجود یا عدم وجود رابطه بین این عوامل با صمیمیت زناشویی، مشاهده نگردید. هم‌چنان که در معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی که از جدول شماره ۹ به دست آمده، مشاهده می‌شود، تحصیلات زنان عاملی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی به دست آمد که تأثیر منفی بر صمیمیت زناشویی زنان دارد. این پدیده با توجه به تغییر نقش‌های جنسیتی زنان در جامعه ایرانی و فاصله‌گیری از نقش‌های سنتی زنان، قابل توجیه می‌باشد؛ هر چند در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی، پژوهشی در زمینه رابطه تحصیلات با صمیمیت زناشویی مشاهده نشد.

هم‌چنین براساس نتایج به دست آمده از همبستگی پیرسون، بین صمیمیت زناشویی زنان و ۳ بعد (روان‌رنجوری و توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی) از ۵ بعد ویژگی‌های شخصیت در پرسش‌نامه (NEO-FFI) همبستگی معناداری وجود دارد. همبستگی منفی میان روان‌رنجوری و صمیمیت زناشویی در زنان، نشان می‌دهد که زنان با نمره بالاتر روان‌رنجوری، توانایی کمتری برای صمیمیت با همسرانشان دارند. هم‌چنین دو بعد توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی، هم همبستگی‌های مثبت با صمیمیت زناشویی نشان دادند. پژوهش حاضر نتوانست همبستگی معناداری را بین بعد تجربه‌گرایی و برون‌گرایی با متغیر ملاک را در زنان نشان دهد ($P > 0.05$). این یافته، با نتایج پژوهش‌هایی مانند کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) و نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۹) مبنی بر وجود رابطه معنادار بین تجربه‌گرایی (بازبودن) و صمیمیت زناشویی ناهمسو می‌باشد. اما در مورد سایر ابعاد، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های مورد مطالعه همسو بوده است (حسینی و فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۹؛ مسئولیت‌پذیری و توافق‌پذیری)؛ احتشام‌زاده، مکوندی و باقری، ۱۳۸۹ (وجدان‌گرایی)؛ نادری، افتخار و آملازاده، ۱۳۸۹ (روان‌رنجوری)؛ کارنی و برادبوری^۱، ۱۹۹۵ (همه ابعاد شخصیت)؛ جرویس^۲، ۲۰۰۶ (وجدان‌گرایی).

به نظر می‌رسد زوجین با نمره روان‌رنجوری بالا به دلیل همراه بودن این عامل با هیجانات منفی از قبیل غم، عدم‌رضایت، افسردگی، خصومت، اضطراب و ... توانایی کمتری در صمیمی شدن دارند. در واقع هیجانات منفی به عنوان مانعی بر سر راه ابراز و وجود صمیمیت محسوب می‌گردند. البته داشتن ویژگی‌هایی از قبیل مهربانی و بخشندگی، همدلی و اعتماددورزی (ویژگی‌های افراد با توافق‌پذیری بالا) و متعهد بودن، آرام بودن و قابل اعتماد بودن (ویژگی‌های افراد با وجدان‌گرایی بالا) هم می‌توانند قابلیت زنان برای صمیمی بودن با همسر را افزایش دهند.

هم‌چنین از نظر زنان شرکت‌کننده در پژوهش تنها دو سبک ایمن و دوسوگرا/ اضطرابی توانستند همبستگی معناداری با صمیمیت زناشویی نشان دادند. واضح است که زنان با دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی همبستگی منفی با صمیمیت زناشویی دارند؛ یعنی زنان با این سبک دلبستگی، توانایی کمتری برای صمیمیت زناشویی

1. Karney & Bradbury
2. Jarvis



دارند. هر چند گفته می‌شود افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی نیاز بالایی به صمیمیت دارند، اما در واقع این افراد از ترس کنار گذاشته شدن از سوی همسر یا سایر افراد مهم زندگی‌شان، توانایی کمی برای صمیمی شدن دارند. اما زنان با سبک دلبستگی ایمن، افرادی شاد، دوستانه و قابل اعتمادند که توانایی همدلی و پذیرش دیگران را دارند، بنابراین در صمیمی شدن با دیگران و نزدیکی زیاد به افرادی مانند همسر، مشکلی ندارند.

پژوهش‌های زیادی در مورد وجود رابطه بین سبک دلبستگی افراد با صمیمیت زناشویی مورد مطالعه قرار گرفت که همگی همسویی با یافته‌های این پژوهش را نشان می‌دهد (از جمله برترتن و مان‌هلند، ۱۹۹۹؛ فیلدمن، گوئن و فیشر، ۱۹۹۷؛ باگاروزی^۱، ۱۳۸۵؛ بشارت و فیروزی، ۱۳۸۵؛ حیدرئی و اقبال، ۱۳۹۰).

براساس نتایج گزارش شده در جدول شماره ۴، مهارت‌های ارتباطی زنان در هر ۵ بعد آن به صورت نمرات جداگانه، رابطه مثبت معنادار با صمیمیت زناشویی دارد ($P < 0/05$). بیشترین ضریب همبستگی در مهارت کنترل عواطف با صمیمیت زناشویی می‌باشد ($r = 0/53$). رابطه مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی در پژوهش‌های بسیار ملاحظه گردید (رومن، دریر و دالارد، ۲۰۰۴؛ هایکمن، پروتینسکی و سین، ۱۹۹۷؛ ابراهیمی، ثنایی و نظری، ۱۳۹۰؛ نصر اصفهانی، اعتمادی‌فر و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). دو عامل درک پیام و کنترل عواطف که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است در پژوهش‌های گوناگونی ملاحظه شد که از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های صمیمیت زناشویی محسوب می‌گردند (احتشام‌زاده، مکوندی و باقری، ۱۳۸۹؛ لارنسیا و فیلدمن، ۱۹۹۸). خودافشایی که در برخی از پژوهش‌ها مترادف با صمیمیت زناشویی برشمرده شده است (وارینگ و کلون، ۲۰۰۶) و در سایر مطالعات از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده صمیمیت زناشویی می‌باشد، را می‌توان معادل با عامل ابراز مناسب و کنترل عواطف و هیجانات تلقی کرد. از این جهت میان یافته‌های پژوهش حاضر و این مطالعات همسویی وجود دارد (حسینی، ۱۳۸۹؛ جلوانی، معتمدی و فولادی، ۱۳۹۱؛ آوری، ریدلی، لزلی و میل‌هلند، ۱۹۸۰؛ مارشال^۲، ۲۰۱۳).

الگوهای ارتباطی زوجین نیز از نظر زنان یکی از عواملی است که در تمام ابعاد، با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار دارد. الگوهای ارتباطی اجتنابی و کناره‌گیری / توقع دارای همبستگی منفی با صمیمیت زناشویی هستند که نشان‌دهنده آن است که زنانی که در حین مشکلات و پس از آن الگوهای اجتنابی یا کناره‌گیری / توقع را در پیش می‌گیرند، صمیمیت کمتری با همسرشان دارند و در واقع این دو الگو مانعی برای صمیمی شدن و یا حفظ صمیمیت همسران به شمار می‌آید، زیرا علی‌رغم دوری کردن همسر اجتناب‌کننده از بحث در مورد مشکلات، این مسائل به صورت حل نشده باقی می‌ماند و زندگی و ارتباطات همسران اجتناب‌کننده، به صورت موازی پیش می‌رود که عاملی در دور ماندن آن‌ها از یکدیگر و عدم برقراری روابط نزدیک می‌باشد. در الگوی کناره‌گیری / توقع نیز همسران با غرزدن، اجتناب از حل مشکلات و انتقاد مداوم روبرو هستند که همه این‌ها موانعی بر سر راه صمیمیت زناشویی می‌باشد. یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش‌های اندک مورد مطالعه مبنی بر اتخاذ واکنش‌های مثبت به جای انتقاد و سرزنش، عاملی در ایجاد صمیمیت زناشویی می‌باشد (کربای، باکوم و پیترومن، ۲۰۰۵؛ فلوریان، هرسچبرگر و میکولینسر^۱، ۲۰۱۳).

بر اساس یافته‌های پژوهش، سبک‌های حل تعارض که شامل ۵ سبک می‌باشد، همگی بجز سبک اجتنابی با صمیمیت زناشویی زنان همبستگی معنادار دارند ($P < 0.05$) که در این میان سبک رقابتی با متغیر ملاک، همبستگی منفی دارد؛ به این معنا که زنانی که در روابط خود علایق خود را مقدم بر علایق دیگری می‌دانند و تنها به خواسته‌های خود توجه دارند، صمیمیت کمتری با همسر خود دارند. در سایر سبک‌ها به دلیل در نظر گرفتن منافع و علایق هر دو طرف (مانند سبک همکاری و سبک مصالحه) یا علایق طرف مقابل (انطباق‌پذیری) رابطه میان این سبک‌ها با صمیمیت زناشویی مثبت است. البته سبک همکاری به دلیل برقراری شرایط برابر و مساعد برای هر دو همسر در ایجاد و حفظ صمیمیت زناشویی، بالاترین همبستگی با این متغیر را داراست. می‌توان سبک حل تعارض همکاری را معادل مهارت حل مسئله و مشارکت عادلانه دانست که در این زمینه پژوهش‌های زیادی وجود دارد که اتخاذ این سبک را از عوامل مهم ایجاد صمیمیت زناشویی

1. Florian, Hirschberger & Mikolincer



معرفی کرده‌اند و بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر در این بخش با این مطالعات همسو می‌باشد (مانند خدایاری‌فرد، زارع‌پور و حجازی، ۱۳۸۹؛ کریگلیو^۱، ۲۰۰۶؛ برانون^۲، ۲۰۰۲؛ هایکمن، پروتینسکی و سین^۳، ۱۹۹۷). در نهایت می‌توان تفاوت چشمگیر ضریب همبستگی سبک همکاری در مقایسه با سایر ابعاد حل تعارض با صمیمیت زناشویی را عاملی دانست که به این نتیجه منجر شده است.

هم‌چنین به دلیل بافت فرهنگی جامعه ایرانی و توصیه‌های دینی مبنی بر حفظ حرمت خانواده مخصوصاً پدر و مادر، ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی پس از ازدواج به گونه دیگری نسبت به پیش از ازدواج ادامه می‌یابد. در این بین هر زوج علاوه بر ارتباط با خانواده اصلی خودش، به عنوان عضوی تازه‌وارد به خانواده همسر تلقی می‌گردد. تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی این عضو تازه‌وارد با خانواده همسر به‌علاوه، نداشتن برخی مهارت‌های ارتباطی و یا انجام رفتارهای نامناسب از سوی طرفین، می‌تواند به عنوان آسیب‌های ارتباط فرد با خانواده همسر در کیفیت ارتباط فرد با خانواده همسر و ارتباط زوجین با یکدیگر نقش مهمی داشته باشد. در این زمینه مطالعه‌ای مشاهده نشده است، اما اهمیت این عامل به عنوان یک عامل فرهنگی و بومی سبب شد که در این پژوهش به آن پرداخته شود. براساس نتایج گزارش شده در جدول شماره ۷ همبستگی منفی بین آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر و صمیمیت زناشویی در زنان نشان می‌دهد که نداشتن روابط خوب با خانواده همسر تا چه حد در صمیمیت بین همسران تأثیر منفی به جای می‌گذارد. لازم به ذکر است به دلیل این که پرسش‌نامه مورد استفاده برای این عامل، آسیب‌شناسی ارتباط با خانواده همسر بوده است و نمره بالاتر نشان‌دهنده روابط ناسالم می‌باشد، بنابراین همبستگی منفی به دست آمده است.

در نهایت بیشتر عوامل در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر، با توجه به معادله پیش‌بینی صمیمیت زناشویی به دست آمده، توانستند در تبیین و پیش‌بینی صمیمیت زناشویی سهم داشته باشند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مذکور در پژوهش می‌توانند صمیمیت زناشویی در زنان را پیش‌بینی کنند. این عوامل شامل

1. Krieglewiec
2. Branon
3. Hickmon, Protinsky & Singh

عوامل فردی و بین فردی می‌باشند. در زمینه عوامل فردی مانند ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی لازم است آگاهی لازم در زمینه شناسایی ویژگی‌های شخصیت و تعیین سبک دلبستگی هر یک از زنان و آگاهی از ویژگی‌های همسران می‌تواند در ارتقای کیفیت روابط همسران و افزایش صمیمیت زناشویی مؤثر باشد. افزایش مهارت‌ها و غنی‌سازی ارتباط همسران از طریق آموزش مهارت‌های حل تعارض، مهارت‌های ارتباطی و الگوهای ارتباطی در کارگاه‌های پیش از ازدواج برای زوجین در آستانه ازدواج و برنامه‌های غنی‌سازی ازدواج برای همسران، برای افزایش صمیمیت زناشویی مؤثر واقع شود.

منابع

- آبروی، مریم (۱۳۸۸). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده طلاق در زوجین شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- ابراهیمی، پاینا؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نظری، علی محمد (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش برنامه غنی‌سازی ارتباط بر افزایش صمیمیت زوج‌های هر دو شاغل، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۶، ۴۳-۳۷.
- احتشام‌زاده، پروین؛ مکنونی، بهنام؛ باقری، اشرف (۱۳۸۹). رابطه بخشودگی، کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آن‌ها، یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۱۳۶-۱۲۴.
- احمدی، زهرا (۱۳۸۴). تأثیر زوج‌درمانی ارتباط شیء (محبوب) کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین شهرستان خمینی‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- اولیاء، نرگس؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۸۵). تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶، ۲، ۱۳۴-۱۱۹.
- باگاروزی، دنیس (۱۳۸۵). افزایش صمیمیت در ازدواج، ترجمه آتش‌پور، حمید؛ اعتمادی، عذرا، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- بشارت، محمدعلی؛ فیروزی، منیژه (۱۳۸۵). سبک‌های دلبستگی و ترس از صمیمیت، علوم روان‌شناختی، ۱۱، ۵، ۱۵-۵.



- بهارى، فرشاد (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های اداره تعارض بین‌فردی و تعارض زناشویی زوج‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان، پژوهش‌های مشاوره، ۳۹، ۱۴۰-۱۲۵.
- بطلانی اصفهانی، سعیده (۱۳۸۷). تأثیر زوج‌درمانی بر نظریه دلبستگی بر رضایت جنسی و صمیمیت جنسی شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- جلالی، هاجر (۱۳۹۰). بررسی همبستگی تیپ‌های شخصیتی، رغبت‌های شغلی، ارزش‌های کاری و ارزش‌های عمومی با رضایت شغلی معلمان زن شهر نجف‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- جلوانی، راضیه؛ معتمدی، مریم؛ فولادی، فائزه (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و صمیمیت زناشویی زنان متأهل، اولین همایش ملی خانواده و مهارت‌های زندگی.
- حسین چاری، مسعود؛ فداکار، محمد مهدی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی براساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان، دانشگاه شاهد، دوره جدید، ۱۵، ۳۳-۲۱.
- حسینی، بیبا (۱۳۸۹). زمینه زوج‌درمانی، تهران، جنگل، جاودانه.
- حسینی‌سده، مجتبی؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت ازدواج در میان دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، روان‌شناسی و دین، ۳(۴)، ۱۴۵-۱۲۷.
- حسینیان، سیمین؛ یزدی، سیده منور؛ طباطبایی، ملیحه (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر صمیمیت زناشویی زنان متأهل، فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۸، ۶، ۷۰-۴۵.
- حمیدی، فریده (۱۳۸۲). بررسی ساخت خانواده و سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده‌درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- حیدرئی، علیرضا؛ اقبال، فرشته (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز، یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۱۳۲-۱۱۳.

- خدایاری فرد، محمد؛ زارع پور، مریم؛ حجازی، الهه (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر صمیمیت زناشویی، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، (۳) ۴۱، ۶۰-۴۹.
- رسولی، محسن (۱۳۸۰). *رابطه بین الگوهای ارتباطی زن و شوهران دانشجوی دانشگاه تهران و الگوی ارتباطی والدین آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- سروقد، سیروس؛ رضایی، آذر میدخت؛ فدایی دولت، ایوب (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با راهبردهای مقابله‌ای و بهزیستی ذهنی معلمان، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۳۹-۲۳.
- شاهقلیان، مهناز؛ جان‌نثار شرق، راحله؛ عبداللهی، محمدحسین (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۲، ۶، ۷۳-۸۸.
- صبحی، افسانه (۱۳۸۱). *مقایسه صمیمیت در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی از نظر خانم‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- صمدی، آرمیتا (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر درمان فراشناخت بر مشکلات ارتباطی زوجین شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- عبادت‌پور، بهناز (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۱). *تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب‌شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ بخشی‌پور، مریم؛ مانی، آرش (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، *روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱۰۱، ۱۵۸-۱۴۳.
- گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶). *خانواده‌درمانی: تاریخچه، نظریه و کاربرد*، ترجمه بهاری، فرشاد، تهران، تزکیه.
- میلر، شراد؛ میلر، فیلیپس؛ واکمن، دانیل؛ نانالی، آلام (۱۳۸۵). *آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی: حرف زدن و گوش دادن به همدیگر*. ترجمه بهاری، فرشاد، تهران، رشد.
- نادری، فرح؛ آزادمنش، پونه (۱۳۹۰). *مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد، یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۲۲، ۷، ۹۷-۱۱۲.



نادری، فرح؛ افتخار، زهرا؛ آملازاده، صغری (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز، یافته‌های نو در روان‌شناسی، شماره ۵، ۶۱-۷۶.

نصراصفهانی، ن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش مفاهیم نظریه انتخاب به شیوه گروهی بر افزایش صمیمیت زناشویی زنان، زن و مطالعات خانواده، ۲(۸)، ۱۱۴-۱۰۵.

هاروی، مایکل (۱۳۸۸). زوج درمانی، ترجمه احمدی، خدابخش؛ اخوی، زهرا؛ رحیمی، علی اکبر، تهران، نشر دانژه.

Avery, A., Ridly, C., Leslie, L. Milholland, T. (1980). Relationship Enhancement: A six month follow up, *American Journal of Family Therapy*, 8, 60-66.

Branon, L. (2002). *Gender: Psychological Perspective*, London: Allyn and Bacon.

Bretherton I., Munholland K.A. (1999), *Internal working models in attachment relationships: A construct revisited*. New York: Guilford, 89-111.

Bowlby, J. (1969/1982). *Attachment and Loss*, VOL I, New York: Basic Book.

Edalati A., Redzuan M.(2010) Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 7-132.

Feldman, S.SH., Gowen, L.K., Fisher, L. (1998). Family Relationship and Gender on Predictors of Romantic Intimacy in Young Adult: A Longitudinal Study, *Journal of Research on Adolescence*, 892, 283- 296.

Feeny, J., Noller, P.(1991). Attachment style and verbal descriptions of romantic parents. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8, 187-215.

Feeney, J.A., Noller, P., Callan, V.J. (1994). "Attachment Style, Communication, and satisfaction in the Early Years of Marriage", *Advanced in Personal Relationship*, 5, 269- 308.

Florian, V., Hirschberger, G., Mikolincer, M. (2003). Strivings for romantic intimacy following partner complaint or partner criticism: A terror management perspective, *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(5), 675-687.

Hickmon, W.A., Protinsky, H.O., Singh, K. (1997). Increasing Marital Intimacy: Lessons From Marital Enrichment. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 19(4): 581- 589.

Jarvis M.O. (2006). *The long term role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin, 1011-1025.

Karney, B.P., Bradbury T.N. (2000). Attribution in marriage state or trait?, *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 295- 309.

- Karney, B.R., Bradbury, T.N. (1995). The longitudinal course of marital quality stability: a review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Kirby, J., Baucom D.H., Peterman M.A. (2005), An investigation of unmet intimacy needs in marital relationships. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 313-325.
- Kriegelewice, Q. (2006). Problem solving strategies and marital intimacy. *Journal of Psychiatry*, 40(2), 24-59.
- Laurenceau, J.Ph., Feldman, L., Barrett, M. Rovine, J. (2005). "The Interpersonal Process Model of Intimacy in Marriage: A Daily-Diary and Multilevel Modeling Approach." *Journal of Family Psychology*, 19(2), 314-323.
- Marshall, T. C. (2013). Cultural differences in intimacy: The influence of gender-role ideology and individualism-collectivism, *Journal of Social and Personal Relationships*, 10(25), 143-168.
- Nancy, J.S. (2007). *Communication and Intimacy*. www.nancy Jane Smith.com.
- Rahim, M.A., (1997). *Assessing the validity of the Rahim organizational conflict inventory II*. University of Minnesota.
- Waring, E.M., Chelune, G.J. (2006). Marital intimacy and self-disclosure, *Journal of Clinical Psychology*, 2 (39), 183-190.